

جهادِ امیرالمؤمنین علیه السلام و کتمان فضائل ایشان

قسمت ششم؛ سحر پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ۹۹

سوره آل عمران - آیه ۱۷۲

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ

کسانی که پس از آسیب رسیدن به آنان در جنگ احد، دعوت خدا و پیامبر را اجابت کردند و به جنگی دیگر رهسپار شدند، برای نیکوکاران و تقوایپیشگانشان پاداشی بزرگ خواهد بود

سوره بقره - آیه ۱۵۹ و ۱۶۰

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

کسانی که دلایل روشن و رهنمودهای ما را پس از آن که در کتاب آسمانی برای مردم به روشنی بیان کرده‌ایم کتمان می‌کنند، خدا لعنتشان می‌کند و آنان را از رحمت خود دور

می‌سازد، و همه لعنت‌کنندگان نیز آنان را لعنت می‌کنند و از خدا می‌خواهند که آنان را از رحمت و سعادت محروم کند

مگر کسانی که توبه کنند و مردمی صالح شوند و حقایق را که پنهان داشته‌اند بیان کنند، آنانند که من با رحمت خود به سويشان باز می‌گردم و توبه‌شان را می‌پذیرم، زیرا من بسیار توبه‌پذیر و مهربانم

✓ ساز و برگ نظامی

لَمَّا كَانَ يَوْمُ أَحُدٍ وَجَالَ النَّاسُ تِلْكَ الْجَوْلَةَ أَقْبَلَ امِّيَّةُ بْنُ أَبِي حُدَيْفَةَ بْنِ الْمُغِيرَةِ، وَهُوَ دَارِعٌ مُقَنَّعٌ فِي الْحَدِيدِ، مَا يُرَى مِنْهُ إِلَّا عَيْنَاهُ، وَهُوَ يَقُولُ: يَوْمٌ بِيَوْمِ بَدْرٍ، فَيَعْتَرِضُ لَهُ رَجُلٌ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ فَيَقْتُلُهُ امِّيَّةُ. قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ أَصْمُدُ لَهُ فَأَضْرِبُهُ بِالسَّيْفِ عَلَى هَامَتِهِ وَعَلَيْهِ بَيْضَةٌ وَتَحْتَ الْبَيْضَةِ مِغْفَرٌ، فَتَبَا سَيْفِي

المغازي: ج ۱ ص ۲۷۹؛ الإرشاد: ج ۱ ص ۸۸ عن أبي عبيدة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام نحوه

در جنگ احد، چون مسلمانان شهادت بخرج داده و حمله کردند، امیه بن ابی حذیفه (از پهلوانان مشرکان) در حالیکه زره پوش بود و سرش را چنان با کلاهخود پوشانده بود که فقط چشمانش دیده میشد؛ به میدان آمد و گفت: این جنگ در انتقام جنگ بدر است. (یعنی شکست بدر را تلافی میکنیم و انتقام کشتگان بدر را خواهیم گرفت.) پس یک تن از مسلمانان به میدان رفت که امیه او را کشت. امیرمومنان علیه السلام فرمود: قصد او کرده و به سويش حمله کردم. با شمشیر ضربه ای به سرش زدم که چون به کلاهخودش خورد، شمشیرم کند شد...

✓ دست یداللهی اوست است که اعجاز میکند

قَالَ زَيْدُ بْنُ مَخَجْنٍ قَالَ عَلِيٌّ : مَنْ يَشْتَرِي سَيْفِي هَذَا فَوَاللَّهِ لَوْ كَانَ عِنْدِي ثَمَنُ إِزَارٍ مَا بَعْتُهُ.

فضائل احمد بن حنبل ح ۲۰

روزی امیرمومنان علیه السلام به بازار آمده و فرمودند: چه کسی از من این شمشیر را می خرد؟ بخدا قسم اگر به میزان خرید یک شلوار پول داشتیم، آنرا نمی فروختم. (یعنی شمشیر حضرت قیمت و ارزش مالی چندانی نداشت)

✓ مرام و مردانگی امیرالمومنین علیه السلام

قَالَ مَالِكُ بْنُ أَنَسٍ وَ سَمِعْتُ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِمَ لَا تَشْتَرِي فَرَسًا عَتِيقًا؟ قَالَ لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ وَأَنَا لَا أَفْرُ مِمَّنْ كَرَّ عَلَيَّ وَلَا أَكُرُّ عَلَى مَنْ فَرَّ مِنِّي.

الأمالی (للصدوق)، النص، ص: ۱۷۰

به امیرمومنان علیه السلام گفته شد: چرا اسب اصیلی نمی خرید؟ فرمود: نیازی بدان ندارم. زیرا نه از کسی که بر من هجوم آورده می گریزم، و نه بر کسی که فرار میکند حمله میکنم.

✓ پاسخ امیرالمومنین علیه السلام

أَفْنَعُ مِنْ نَفْسِي بَأَنَّ يُقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَا أُشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ أَوْ أَكُونَ أُسْوَةً لَهُمْ فِي جُشُوبَةِ الْعَيْشِ فَمَا حُلِفْتُ لِيشغَلَنِي أَكُلُ الطَّيِّبَاتِ كَالْبَهِيمَةِ الْمَرْبُوطَةِ هَمُّهَا عَلْفُهَا أَوْ الْمُرْسَلَةِ سُغْلُهَا تَقْمُمُهَا تَكَرُّشٌ مِنْ أَعْلَافِهَا وَ تَلْهُو عَمَّا يُرَادُ بِهَا أَوْ أَتْرَكَ سُدَى أَوْ أَهْمَلَ عَابِئًا أَوْ أَجَرَ حَبْلَ الصَّلَاةِ أَوْ أَعْتَسَفَ طَرِيقَ الْمَتَاهَةِ وَ كَأَنِّي بِقَائِلِكُمْ يَقُولُ إِذَا كَانَ هَذَا قَوْتُ

ابنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَدْ قَعَدَ بِهِ الضَّعْفُ عَنِ قِتَالِ الْأَفْرَانِ وَ مُنَازَلَةِ الشُّجْعَانِ أَلَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ
الْبَرِّيَّةَ أَضْلَبُ عُوْدًا وَ الرِّوَاتِعَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُوْدًا وَ النَّابِتَاتِ الْعِدِيَّةَ أَقْوَى وَقُوْدًا وَ أَبْطَأُ
خُمُوْدًا...

نهج البلاغه نامه ٤٥

آیا بدین بسنده کنم که مرا امیرمومنان گویند، و در ناخوشایندهای روزگار شریک آنان نباشم؟ یا در سختی زندگی نمونه ای برایشان نشوم؟ مرا نیافریده اند تا خوردنی های گوارا سرگرم سازد، چون چارپای بسته که به علف پردازد؛ یا آنکه واگذارده است و خاکروبه ها را به هم زند و شکم را از علفهای آن بینبارد، و از آنچه از آن خواهند غفلت دارد. یا مرا وانهند یا به بازی سر دهند یا ریسمان گمراهی را کشان باشم و یا بیخودانه در سرگردانیها گردان؛ و چنان بینم که گوینده ای از شما بگوید: اگر پسر ابوطالب را خوراک این است، ناتوانی و ضعف، او را از کشتن همآوردان بنشانند، و از جنگ با دلاورمردان بازماند. بدانید درختی را که در بیابان خشک روید شاخه سخت تر بود، و سبزه های خوشنما را پوست نازکتر و رستنیهای صحرایی را آتش افروخته تر، و خاموشی آن دیرتر.

✓ بارها به زمین افتاد!

عن سعيد بن المسيّب: لَقَدْ أَصَابَتْ عَلِيًّا يَوْمَ أَحُدٍ سِتَّةَ عَشْرَةَ ضَرْبَةً، كُلُّ ضَرْبَةٍ تُلْزِمُهُ
الْأَرْضَ، فَمَا كَانَ يَرْفَعُهُ إِلَّا جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

اسد الغابة: ج ٤ ص ٩٣ الرقم ٣٧٨٩؛ شرح الأخبار: ج ٢ ص ٤١٥ ح ٧٦٢ عن سعد بن
المسيّب، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٢ ص ٢٤٠ كلاهما نحوه.

سعید بن مسیب گوید: امیرمومنان علیه السلام در جنگ احد، شانزده ضربه خورد که هر کدام او را به زمین انداخت. پس هربار به یاری جبرئیل علیه السلام برمی خاست.

✓ دیده بان رسول خدا صلی الله علیه وآله

لَمَّا انصَرَفَ أَبُو سُفْيَانَ وَمَنْ مَعَهُ نَادَى: إِنَّ مَوْعِدَكُمْ بَدْرٌ لِلْعَامِ الْقَابِلِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِرَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِهِ: قُلْ: نَعَمْ، هُوَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ مَوْعِدٌ. ثُمَّ بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ: اخْرُجْ فِي آثَارِ الْقَوْمِ، فَانظُرْ مَاذَا يَصْنَعُونَ وما يُريدون...

السيرة النبوية لابن هشام: ج ٣ ص ١٠٠، تاريخ الطبري: ج ٢ ص ٥٢٧، الكامل في التاريخ: ج ١ ص ٥٥٦ نحوه.

(پس از شکست مشرکین در بدر) ابوسفیان هنگام بازگشت فریاد زد: وعده ی ما سال بعد همین جا! رسول خدا به یکی از اصحاب امر کردند، بگو: آری منتظرتان هستیم. سپس رسول خدا به امیرمومنان (در حالیکه بشدت مجروح و زخمی شده بود) فرمودند: به دنبالشان برو و ببین چه نقشه ای در سر دارند؟...

✓ محبت اهل بیت علیهم السلام

حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ أَخْبَرَنَا عُمَرُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ حَمْدَانَ الْقِشْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْمُغِيرَةُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُهَلَّبِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَقَّارِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ كَثِيرِ الْكَلَابِيِّ الْكُوفِيُّ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ **حُبِّي وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَهْوَالَهُنَّ عَظِيمَةٌ** عِنْدَ الْوَفَاةِ وَ فِي الْقَبْرِ وَ عِنْدَ النُّشُورِ وَ عِنْدَ الْكِتَابِ وَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ الصِّرَاطِ .

الأمالی (للصدوق)، النص، ص: ١٠

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: دوستی من و خاندانم در هفت جایگاه هولناک سودمند خواهد بود: به هنگام مرگ، در گور، به هنگام حشر، دریافت نامه اعمال، حسابرسی، پای میزان و در صراط.

✓ ادب توحیدی امیرالمومنین علیه السلام

عَنْ عَلِيٍّ ، قَالَ: " ... حَتَّى أَتَيْتُهُمْ فَقَاتَلْتُهُمْ ، فَبَرَزَ مَرْحَبٌ يَزْتَجِرُ ، وَبَرَزْتُ لَهُ أَزْتَجِرُ كَمَا يَزْتَجِرُ حَتَّى التَّقِيْنَا ، فَقَتَلَهُ اللهُ بِيَدِي ، وَانْهَزَمَ أَصْحَابُهُ فَتَحَصَّنُوا وَأَغْلَقُوا الْبَابَ ، فَأَتَيْنَا الْبَابَ ، فَلَمْ أَزَلْ أُعَالِجُهُ حَتَّى فَتَحَهُ اللهُ "

المصنف لابن ابی شیبہ

امیرمومنان علیه السلام درباره فتح خیبر فرمودند: (پس از آنکه دیگران با شکست فرار کردند و بازگشتند) من به مصاف یهودیان خیبر رفتم. پس مرحب به میدان آمد و رجز خوانی کرد. من نیز به او حمله کرده و رجز میخواندم تا اینکه خداوند بدستان من او را هلاک کرد. یارانش با مرگ او فرار کردند، به داخل قلعه پناه برده و درب را بستند. پس برای کندن درب آنقدر ممارست و استقامت کردم تا خداوند آن را فتح کرد.

✓ جنگ برای صلح

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يُقَاتِلُ حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ وَيَقُولُ نُفِّتِحْ أَبْوَابَ السَّمَاءِ وَتُقْبِلِ الرَّحْمَةَ وَيَنْزِلِ النَّصْرُ وَيَقُولُ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ اللَّيْلِ وَأَجْدَرُ أَنْ يَقِلَّ الْقَتْلُ وَيَرْجِعَ الطَّالِبُ وَيُقْلِتَ الْمُنْهَزِمُ.

کافی (ط - دار الحدیث)، ج ۹، ص: ۴۱۰ و علل الشرائع، ج ۲، ص: ۶۰۳

امیرمومنان علیه السلام وارد پیکار نمی‌شد، مگر موقعی که خورشید از وسط آسمان زایل شود؛ و می‌فرمود: در این ساعت درهای آسمان گشوده شده، رحمت خدا رو می‌آورد و نصرت الهی نازل می‌گردد. و هم چنین می‌فرمود: زوال خورشید به سیاهی شب نزدیکتر است و آمار کشته‌ها را پائین می‌آورد. با سیاهی شب جنگجو از تعقیب دشمن دست می‌کشد و فراری نجات پیدا می‌کند.

✓ سمت من سقوط نمی‌کند!

قیل له فی بعض الحروب إن جالت الخیل این نطلبک؟ قال **حیث ترکتمونی.**

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۲۰، ص: ۲۸۳

در یکی از جنگها از امیرمومنان علیه السلام پرسیدند: اگر لشگریان از جایشان برگشتند، شما را در کجا بیابیم؟ فرمود: در همان جایی که از من جدا شدید. (از جایم تکان نمی‌خورم)

✓ شمشیر خدا

وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَا عَلِيُّ أَنْتَ فَارِسُ الْعَرَبِ- وَ قَاتِلُ النَّاكِثِينَ وَ الْمَارِقِينَ وَ الْقَاسِطِينَ- وَ أَنْتَ أَخِي وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ- وَ **سَيْفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يُخْطِئُ**- وَ أَنْتَ رَفِيقِي فِي الْجَنَّةِ

صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص: ۹۰

رسول‌خدا به امیرمومنان فرمودند: یا علی! تو سلحشور عرب، کشنده ناکثین، مارقین و قاسطین هستی. تو برادرم و مولای هر مومن، و شمشیر الهی هستی که به خطا نمی‌رود. تو رفیق من در بهشتی.

✓ پناهندگی به رسولخدا

كُنَّا إِذَا أَحْمَرَ الْبَاسُ اتَّقَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنَّا أَقْرَبَ إِلَى الْعَدُوِّ مِنْهُ.

نهج البلاغه (للصبي صالح)، ص: ۵۲۰

چون کارزار دشوار میشد، ما خود را به رسولخدا نگاه میداشتیم و هیچ یک ما از وی به دشمن نزدیکتر نبود. (یعنی چون بیم از دشمن بسیار می بود و اژدهای جنگ دهان می گشود، مسلمانان به رسولخدا پناه می بردند)

✓ مظلومیت جانسوز امیرالمومنین علیه السلام

حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ سَعِيدٍ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ، حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ مَنْصُورٍ ، حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ يُونُسَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ: سَأَلَ رَجُلٌ الْبَرَاءَ - وَ أَنَا أَسْمَعُ - قَالَ: **أَشْهَدَ عَلِيٌّ بَدْرًا؟** قَالَ: **بَارَزَ وَ ظَاهَرَ**

صحيح البخاري، ج ۶، ص: ۲۴۳

کسی از براء پرسید: مگر علی در بدر هم حضور داشته؟! !!

✓ نگارش کتاب درباره جمل و صفین ممنوع!

أخبرني عصمة بن عصام قال: قال حنبل أردت أن أكتب كتاب صفين و الجمل عن خلف بن سالم فأتيت أبا عبد الله أكلّمه في ذاك و أسأله؟ فقال: **و ما تصنع بذاك و ليس فيه حلال و لا حرام؟** وقد كتبت مع خلف حيث كتبه فكتبت الاسانيد و تركت الكلام و كتبها خلف... قال حنبل: فأتيت خلف فكتبتها، فبلغ أبا عبد الله فقال لأبي: **خذ الكتاب فاحبسه عنه و لا تدعه ينظر فيه.**

السنة لابي بكر الخلال رقم ۷۲۳

حنبل گوید: قصد نگارش کتابی در موضوع صفین و جمل داشتم، نزد اباعبدالله (احمد بن حنبل) رفته و با او در این زمینه گفتگو کردم؛ وی گفت: برای چه می‌خواهی بنویسی در حالیکه حلال و حرامی در آن نیست؟ من هم مثل خلف نوشتم ولی فقط اسانید را آوردم، اما متن روایات را حذف کردم... حنبل گوید: بالاخره کتابم را نوشتم، وقتی خبرش به احمد بن حنبل رسید، به پدرم گفت: کتاب را از او بگیر و مخفی کن.

✓ کتمان علماء!!!

تحامی کثیر من المحدثین أن یحدّثوا بفضائله کرم الله وجهه .

الاختلاف فی اللفظ ص ۵۴

ابن قتیبه گوید: محدثان از نقل فضائل علی علیه السلام خودداری میکردند.

✓ نقل فضائل امیرالمومنین علیه السلام جرم بود!

فقال الزهري: والله انّ عندی من فضائل علیّ ما **لو تحدّثتُ بها لقتلتُ**.

اسدالغابه لابن الاثیر ج ۱، ص ۵۷۲، رقم ۸۱۲

زهري (از محدثان بزرگ اهل سنت) میگوید: به خدا قسم روایاتی در فضائل علی علیه السلام میدانم که اگر نقل کنم کشته میشوم.

✓ برای گرفتن حقوق باید....

الاوزاعی یقول: ما اخذنا العطاء حتی **شهدنا علی علیّ بالنفاق** و تبرأنا منه.

سیر اعلام النبلاء ج ۷، ص ۱۳۰، رقم ۴۷

اوزاعی (از فقهای اهل سنت) میگوید: اگر شهادت به نفاق علی علیه السلام نمی دادیم و از او برائت نمی جستیم، حقوقمان را قطع میکردند.

✓ شهادت جناب کمیل

و قال هشام بن عمّار: ثنا أيّوب بن حسان، ثنا محمد بن عبد الرحمن قال: منع الحجّاج النّخع أعطياتهم حتّى يأتوه بكميل بن زياد، فلمّا رأى ذلك كميل أقبل على قومه فقال: أبلغوني الحجّاج فأبلغوه، فقال الحجّاج: يا أهل الشام، هذا كميل الذي قال لعثمان أقدني من نفسك، فقال كميل: فعرف حقّي، فقلت: أما إذ أقدتني فهو لك هبة، فمن كان أحسن قولاً أنا أو هو، **فذكر الحجّاج عليّاً، فصلى عليه كميل**، فقال الحجّاج: و الله لأبعثنّ إليك إنساناً أشدّ بغضاً لعلّي من حبّك له، فبعث إليه ابن أدهم الحمصيّ فضرب عنقه

تاريخ الاسلام ذهبی ج ۶، ص ۱۷۷

حجاج حقوق قبيله نخعی را از بیت المال قطع کرد تا کمیل را تحویل دهند. چون کمیل از ماجرا با خبر شد، خودش را معرفی کرد. حجاج به شامیان گفت: این کمیل همان کسی است که از عثمان مطالبه قصاص کرد... پس تا حجاج نام علی (علیه السلام) را برد، کمیل بر حضرت سلام و درود فرستاد. حجاج گفت: به خدا قسم کسی را بر تو مامور میکنم که بیش از آنچه تو دوستدار علی هستی، دشمن علی است. پس ابن ادهم را فرستاد و او گردن کمیل را جدا کرد.